

صفحه	عنوان	فهرست مطالب
۱۳	پیش گفتار	.....
۱۹	مقدمه	.....
۲۳	خاک رس	.....
۲۴	بیا خواستگاری خواهر من!	.....
۲۵	قلوه سنگ!	.....
۲۶	کدام دستت درد می کند؟	.....
۲۷	شما چرا خان شدی؟	.....
۲۸	دختر کچل!	.....
۲۹	برنج وارفته	.....
۳۰	یا بخورید یا ببرید	.....
۳۱	خواب نما	.....
۳۲	زور زیاد	.....

۳۳	..... مهمانی
۳۴	..... من با کسی شوخی ندارم
۳۵	..... ریا شد
۳۶	..... کله پاچه
۳۷	..... پرچم
۳۸	..... یا محمد
۳۹	..... مصی شهردار
۴۲	..... یاماها ۱۰۰
۴۳	..... ممد ژانگولر
۴۹	..... راه خاموش کردن آتش
۵۰	..... بهانه ای برای لبخند زدن
۵۱	..... هویج با مزه ی ترب!
۵۳	..... ساک جبهه
۵۴	..... داماد
۵۵	..... دوخت و دوز
۵۶	..... اثر فرهنگی!
۵۹	..... تماشا
۶۰	..... داماد آینده!
۶۱	..... کولر سرخود!
۶۳	..... عقیده ات درست نیست
۶۴	..... قایم شده بود!
۶۵	..... جدی و شوخی

۶۶	..... جنگل آمازون
۶۷	..... تردستی
۷۰	..... پیرمرد دنیا دیده
۷۴	..... دعای قبل از خواب
۷۶	..... سه تفنگدار
۷۷	..... تک زدن خریزه
۷۸	..... شوخی
۷۹	..... آچار فرانسه
۸۰	..... جبران
۸۱	..... دو قطعه عکس
۸۲	..... عیادت
۸۳	..... روحیه‌ی بچه‌ها
۸۴	..... مال من که نیست!
۸۵	..... فرمانده‌ی گردان
۸۷	..... روی دو دست
۸۹	..... عکس‌های یادگاری
۹۰	..... پیش از طلوع فجر
۹۲	..... پشه‌بند
۹۴	..... دعوت
۹۵	..... حوری بهشتی
۹۷	..... خنده‌ی صوفی
۹۸	..... مراسم ازدواج

۹۹	هوس جایزه
۱۰۰	ماجرای ساندیس ها
۱۰۱	کلید بهشت
۱۰۲	کور خواندیدا!
۱۰۴	بوسه باران!
۱۰۵	نارنجک بدون ضامن
۱۱۱	سیلی محکم
۱۱۲	شیرجه در آب
۱۱۳	میوه های بهشتی
۱۱۴	خبر خوش
۱۱۸	هندوانه‌ی ابوجهل
۱۲۰	لبخندزنان
۱۲۱	رادیو ضبط
۱۲۲	باعث خجالت!
۱۲۳	تاکسی تلفنی!
۱۲۴	فقط می خندید
۱۲۵	حالت ترسناک!
۱۲۶	آبگوشت!
۱۲۷	انگار نه انگار!
۱۲۸	حرفهای شادی بخش
۱۲۹	آثار شامپو!
۱۳۰	اسیر ایرانی!

- ۱۳۱.....سواران بیل
- ۱۳۲.....جوهر به جای گلاب
- ۱۳۴.....پول فانوس
- ۱۳۶.....چهره دیپلماتیک
- ۱۳۷.....مقوای جعبه شیرینی!
- ۱۳۸.....چه عیبی داره؟
- ۱۳۹.....این چه وضعشه؟
- ۱۴۰.....یک خواب برات دیدم
- ۱۴۲.....ساعت مچی
- ۱۴۴.....فرمانده ی مقرراتی
- ۱۴۶.....خمپاره ی خودی
- ۱۴۸.....سیگار کشیدن با نی
- ۱۴۹.....نمایش طنز
- ۱۵۱.....پاره کردن طناب به جای زنجیر
- ۱۵۲.....گریه یا خنده
- ۱۵۳.....عکس یادگاری
- ۱۵۴.....سیگار کشیدن ممنوع!
- ۱۵۵.....قاطرهای آموزش دیده
- ۱۵۶.....مجلس روضه خوانی
- ۱۵۷.....این همه پتو داشتی!
- ۱۵۸.....قرص والیوم
- ۱۵۹.....شوخی با حاج اصغر

- ۱۶۱ ..... پشیمون می‌شی‌ها!
- ۱۶۳ ..... بگذار بچه‌ها خوش باشن.
- ۱۶۵ ..... آبگوشت به یاد ماندنی
- ۱۶۶ ..... روی دیفرانسیل!
- ۱۶۷ ..... داور و دروازه بان
- ۱۶۹ ..... الان امتحان می‌کنم!
- ۱۷۰ ..... شوخی با فرمانده
- ۱۷۲ ..... استتار
- ۱۷۴ ..... آرام کردن برادر
- ۱۷۵ ..... فرماندهی گردان قاطرها
- ۱۷۶ ..... جیره‌ی جنگی
- ۱۷۷ ..... صدای خمپاره‌ی شصت!
- ۱۷۸ ..... فرمانده آمد
- ۱۷۹ ..... بگو کادو رو بیارن
- ۱۸۱ ..... انتظار
- ۱۸۳ ..... خدا اجرتون بده
- ۱۸۴ ..... مصاحبه
- ۱۸۶ ..... می‌خواستم دلی از عزا در بیارم
- ۱۸۷ ..... کلت کمری!
- ۱۸۸ ..... این هم موتور هوندای هزار!
- ۱۹۰ ..... فیوز برق
- ۱۹۱ ..... پای من بادیه!

- ۱۹۵.....پر تقال
- ۱۹۶.....صدای ناهنجار
- ۱۹۷.....لیف حمام
- ۱۹۸.....چی به خدا گفتی؟
- ۱۹۹.....ماجرای کلت کمری
- ۲۰۲.....معامله
- ۲۰۳.....حنابندان
- ۲۰۴.....یک قدمی
- ۲۰۵.....زدودن غم‌ها
- ۲۰۷.....حالا من را می‌بخشید؟
- ۲۰۹.....منابع







## پیش گفتار

خاطرات دفاع مقدس غالباً در پاکترین لحظات زندگی صاحبان خاطره رخ داده، لذا شایسته است آن لحظه‌های غنیمت ثبت و منتشر شود. آن لحظه‌ها، همان حلقه‌هایی است که بشر سردرگم امروز را می‌تواند به "صراط‌الذین انعمت علیهم" که مصداق کامل آن ائمه‌ی معصومین علیهم السلام هستند، واصل نماید.

صاحبان خاطرات دفاع مقدس ثابت کردند که می‌شود پس از هزار و چهار صد سال سرکوب اسلام، به رهنمود خلیفه‌الله ساز خلیفه‌ی به حق خدا حضرت علی علیه‌السلام جامه‌ی عمل پوشاند که فرمود: **أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعِفَّةٍ وَسِدَادٍ.**

با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی‌مرا‌یاری

دهید. (نهج‌البلاغه/نامه ۴۵)

وقتی مربی مردان دفاع مقدس، بزرگمردی است که با پرهیز از

پا گذاشتن بر روی کفش طلباب در هنگام ورود به حجره‌ی تدریس، از مویرگ ظلم دوری می‌کند، بالطبع محصول این مکتب روح الهی باید مردانی باشند که در لحظات اضطراری ورود به میدان مین، پیراهن از تن به در کنند که؛ اگرچه ما رفتنی هستیم، اما چرا لباس بیت‌المال تکه‌تکه شود!

آنان اثبات کردند؛ می‌شود سیره‌ی جهاد اکبر و اصغر را توأم با هم در صورت جوان قرن بیستم متجلی کرد. به شرط آن که با عمل و نه زبان تنها (کونوا دعاة الناس بغير السننکم) به اسلام دعوت شده باشند.

مجموعه کتب سیره‌ی شهدای دفاع مقدس، حاوی گلچینی از خاطرات راویان در خصوص آن سفر کردگان دیار هستی است که در طول سال‌های گذشته توسط ناشران مختلف به زیور طبع آراسته شده است.

انگیزه‌ی مؤسسه‌ی فرهنگی هنری قدر ولایت از انجام این پروژه اهداف زیر است:

۱- بسیاری از کتب دفاع مقدس در سال‌های گذشته و تنها برای یک بار به چاپ رسیده و در همان سال‌ها نیز عرضه شده است. لذا مخاطبین امروز از دستیابی به آن کتب و خاطرات محرومند. در حالی که اهمیت آن به دلیل نزدیکی نقل خاطره به زمان رویداد، بیشتر از خاطراتی است که هم‌اکنون نقل می‌شود. این پروژه با جستجوی کتب مذکور، بخش عظیمی از خاطرات

- ناب شهیدان گرانقدر را دوباره احیا نموده و ماندگار کرده است.
- ۲- خاطرات دفاع مقدس دستمایه‌ای متعالی و فوق‌العاده مستعد برای خلق آثار ادبی و هنری از جمله داستان، نمایشنامه، رمان، شعر، فیلمنامه و غیره است. گزینش خاطرات خوب و نیز دسته‌بندی موضوعی آن، ادبا و هنرمندان و نیز پژوهشگران این عرصه را از جستجوی زمان‌بر و نامنظم بی‌نیاز کرده است.
- ۳- شهدای گرانقدر دفاع مقدس با تمسک به آیه‌ی شریفه‌ی «لقد کان لکم فی رسول الله اسوةً حسنه» نزدیک‌ترین افراد به خلق و خوی محمدی صلی الله علیه و آله و سلم بودند. لذا اهل منابر و مریبان تربیتی برای اتصال آسان جامعه به سیره‌ی نبوی، می‌توانند از خاطرات شهدا به عنوان شاهد مثال بهره‌برداری نمایند.
- مهمترین وجه امتیاز خاطرات مذکور، به روز بودن آن و نیز امکان قوی همذات‌پنداری مخاطب با شهدای معاصر است. این کتب، امکان انتخاب خاطرات ناب، موجز و موضوعی را برای صاحبان کرسی‌های موعظه آسان کرده است.
- ۴- زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهیدان- به فرموده‌ی رهبر معظم انقلاب اسلامی- کمتر از شهادت نیست، چرا که راه و رسم شهادت، راه عزت و نجات از اسارت نفس و استکبار است. و ما که از قافله عقب مانده‌ایم و مهجور از عند ربهم یرزقون، بدین وسیله ادای دین می‌کنیم. باشد که مقبول افتد.
- ۵- از شهیدان دفاع مقدس معمولاً بعد حماسی آنان بیشتر مورد

توجه قرار گرفته است. جنبه‌های لطیف که حکایت از روح بلند و منش و طبع کریمانه و رعایت نکات ظریف در زوایای مختلف زندگی فردی و اجتماعی آنان دارد، کمتر انعکاس پیدا کرده. نگاه این مجموعه بیشتر معطوف همین مسئله است.

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت در راستای اهداف ذکر شده، از اواخر سال ۱۳۸۶ ابتدا پیرامون این طرح، مطالعات شناختی را آغاز کرد و از میان موضوعات مختلف اخلاق فردی و اجتماعی، به ۳۰ موضوع که از عمومیت بیشتری در بین رزمندگان اسلام برخوردار بود رسید.

سپس کار فیش برداری در خصوص موضوعات آغاز شد. فیش برداران ارجمند طی تلاشی شش ماهه قریب غالب کتاب‌های دفاع مقدس چاپ شده تا این را تاریخ بررسی کردند تا به خاطراتی دست یابند که؛ ۱- فقط درباره‌ی شهدای دفاع مقدس باشد. ۲- خاطره باشد و نه گونه‌های ادبی دیگر ۳- از جذابیت لازم برخوردار باشد ۴- با اهداف یاد شده متناسب باشد.

از میان کتابهای مورد بررسی، تمام خاطراتی که به دلیل تبدیل به گونه‌های دیگر ادبی دچار ضعف استناد شده بودند و نیز خاطراتی که جاذبه‌ی لازم را نداشتند و یا در خصوص شهدا نبودند، از دور خارج شد.

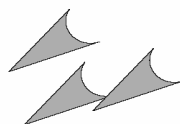
در مرحله‌ی بعدی فیش‌ها جهت تأیید مجدد بازخوانی شدند. سپس هر فیش با توجه به موضوع آن در پوشه‌ی مخصوص خود

طبقه‌بندی گردید.

مراحل بعدی کار؛ حروف چینی، ویرایش، تهیه فهرست موضوعی و اعلام بود که یکی پس از دیگری انجام شد. سپاسگزاری می‌کنیم از تمام حامیان این طرح که آن را بر خود فریضه دانسته و در مراحل مختلف آن مشتاقانه یاری‌رسان بودند. و کسانی که در دریای فضایل و زیبایی‌های شهیدان غوطه خوردند، دراز صدف‌ها جستند و خود به لیست گمنامان دفاع فرهنگی از انقلاب اسلامی و راه شهیدان پیوستند. و شما خواننده‌ی گرامی، به خاطر حسن سلیقه و انتخابتان. امیدواریم این اقدام فرهنگی مرضی رضای حق تعالی و شهدای عزیز قرار گرفته و همه‌ی ما مشمول توفیقات الهی و شفاعت مردان بزرگ تاریخ انقلاب اسلامی که خاطرات زیبا و نام بلند آوازه‌شان در این کتب ثبت گردیده، باشیم. ان شاء الله.

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت





### مقدمه

روزی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، هسته‌های خرمایی را که تناول می‌کردند، جلوی حضرت امیر (علیه السلام) می‌گذاشتند. بدین صورت، هسته‌های خرما جلوی حضرت زیاد شد، مثل آنکه همه را ایشان میل کرده بودند. از این مزاح همگی خندیدند و مسرور شدند. مزاح و شوخی با رعایت جوانب و مسائل شرعی آن، موجب سرور و شادمانی می‌شود و خنده بر صورت مؤمن بسیار زیبا و زیننده است. شاد کردن مؤمن در اسلام مورد تأکید و دارای ثواب زیادی است. چنانچه روایت شده است که مؤمن، اندوهش در قلب و سرورش در چهره است، چرا که نشاط و شادابی، انگیزه و امید و تلاش را در جامعه افزون می‌نماید و مشکلات را آسان می‌سازد. این که خداوند دوست دارد آثار نعمتها و رحمتش در مؤمنان آشکار باشد ولی غمها و نگرانیهایشان پنهان، یک جنبه‌ی آن آثار روانی

آشکار شدن خوشی‌ها و پیشرفت‌ها در جامعه است. این که به تعبیر قرآن کریم مؤمنان در نداری‌ها، صورت با سیلی سرخ می‌کنند که گویا هیچ مشکلی ندارند و در آسایشند، از همین باب است. در جبهه‌های دفاع حق علیه باطل، همه گونه آدمهایی بودند. از نوجوانان ۱۳ و ۱۴ ساله تا پیرمردهای هفتاد ساله و بیشتر، از روستایی و شهری، از تحصیل کرده‌های دانشگاهی تا کم سوادها، از رزم دیده‌ها و کهنه کارهای جبهه تا تازه رسیده‌ها و رزم ندیده‌ها، از ایمانهای بالا و محکم و دل‌های قرص تا ایمانهای نه چندان قوی، این طیف وسیع انسانی، در برابر شدت و حدت جنگ، غرش توپها و بمباران هواپیماها و صفیر گلوله‌ها و منورها و میدان مین‌ها و در یک کلمه مجروحیت و شهادت و اسارت، در یک ردیف نبودند. اگر چه بعد از مدت کوتاهی، همه شهادت طلب می‌شدند و متوکل به خداوند و مشتاق قرب او، ולאکن، در هاله‌های غم و اندوه از دست دادن یاران و دوستان، دیدن جراحات‌ها و زخمی‌ها، کسالت دوران آماده‌سازی تا عملیات، روحیه خیلی مهم بود. در چنین زمانی بود که آبدیده‌ها و روحیه دارها، با مزاح و شوخ طبعی به کمک می‌آمدند و لبخند بر لبان رزمندگان می‌نشانند و اندوهشان را می‌کاستند و امیدشان را می‌افزودند.

«لبخند بزن رزمنده» تابلوی معروفی بود در خطوط جبهه‌ها. شادابی و نشاط در جبهه‌ها، یک امر عجیبی بود. در سخت‌ترین صحنه‌ها و شرایط، خود را نباختن و امید را حفظ کردن و بلکه شوخی کردن و مزه ریختن و خنداندن دیگران، امر عادی نیست.



بی‌شک لطف و عنایت خداوند و سکینه‌ای که در دلهای مجاهدان قرار می‌داد، منبع اصلی این سرزندگی بود.

رزمندگان شوخ طبع و با نشاط، وقتی شبها بر می‌خاستند تا در گوشه‌ی خلوتی یا در قبرهای آماده کرده، به راز و نیاز با بی‌نیاز مطلق پردازند و با دعا و مناجات دلهایشان را صفا دهند و به پهنای صورت اشک بریزند، معلوم می‌شد که خنده‌ی روزها و نشاط صحنه‌های سخت نبرد، از دل مطمئن و آرام به یاد خدای آنان برمی‌خیزد و این خود موج خنکای رحمت خداوند بود در گرماگرم نفس‌گیر جهاد با دشمنان تا دندان مسلح. اگرچه در آن زمان، این فرح بخشی‌ها و شاد کردن‌ها، چندان ثبت و ضبط نشده است، اما خاطرات بازماندگان جبهه‌ها، گوشه‌هایی از این رحمت الهی را باز نشانمان داده است. و ما این بُعد از روح لطیف و بلند رزمندگان را با این خاطره‌ها باز می‌شناسیم و می‌فهمیم که راه شهدا، حفظ روحیه و شادابی و نشاط و امید در اوج سختیها و کمبودها و دشواریهاست. برای خدا، اسلام و امام، تحمل می‌کردند و خنده بر لب و شادمانی بر چهره داشتند و این منتهای شکست دشمنان نیز بود.